

بررسی فقهی ماهیت اسناد خزانه اسلامی در ایران^۱

ابوالقاسم اثنی عشری^{*}، محمد مهدی نجفی علمی^{**}، اصغرابوالحسنی هستینیانی^{***} و کامران ندری^{****}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۹

انواع اسناد خزانه اسلامی به صورت گسترده در بازارهای مالی ایران مطرح شده و دارای کارکردهای قابل توجهی در اعمال سیاست‌های اقتصادی است. از این رو بررسی ماهیت و احکام فقهی این اسناد می‌تواند در بسیاری از موارد آثار قابل توجهی بر عملکردشان در اعمال سیاست‌های مختلف اقتصادی داشته باشد. در تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا و اجتهاد فقهی، بعد از بررسی احکام مختلف بیع دین و تحلیل نظرهای فقها، بررسی اسناد خزانه اسلامی در بازار ثانویه از زاویه تطبیق عملکرد آن با کارکردهای بازارهای ربوی انجام شده است. همچنین با استفاده از نظرات فقهی مشهور، استخراج پنج نوع از اسناد خزانه و احکام آنها در بازار اولیه انجام شده است. نتیجه مقاله این است که بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی از نگاه فقهی، به صورت کلان دارای کاربرد ربوی بوده است. در پایان نیز، احکام هر یک از انواع پنج‌گانه اسناد خزانه مطرح در بازار اولیه، به صورت جداگانه بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: اسناد خزانه اسلامی؛ تنزیل دین؛ ایران؛ ربا؛ بازار ثانویه

۱. این مقاله از رساله دکتری با عنوان «بررسی میزان بهینه بدهی دولتی و بررسی اجزای آن از دیدگاه اسلامی در ایران» استخراج شده است.

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)؛ Email: esnaashari2000@pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور؛ Email: mm.najafielmi@student.pnu.ac.ir

*** دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور؛ Email: abolhasani@pnu.ac.ir

**** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)؛ k.nadri@mbri.ac.ir

مقدمه

امروزه یکی از ابزارهای سیاست‌های مالی و پولی در اقتصاد اسناد خزانه است که به علت ربوی بودنشان از نگاه اسلام، کارشناسان اسلامی به طراحی اسنادی با کارکرد مشابه و بدون ربا پرداختند. این اسناد در ایران بیشتر به منظور تأمین مالی، کشف و تغییر نرخ سود بازار و دیگر انواع سیاست‌های مالی و پولی، کاربرد دارند و به عنوان یکی از اوراق مطرح در نظام مالی ایران به صورت گسترده به کار برده می‌شوند که تأثیرهای قابل توجهی بر سیاست‌های اقتصادی و اقتصاد کشور دارد.

اسناد خزانه اسلامی، اوراق بهادار با نام یا بی‌نامی است که خزانه‌داری کل وزارت امور اقتصادی و دارایی منتشر می‌کند و در برابر بدهی‌های مختلف بخش دولتی به بخش‌های مختلف و به پیمانکاران طرف قرارداد در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مورد نظر در اختیار بستانکاران قرار می‌دهد. بازپرداخت اسناد خزانه در سررسید توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تضمین و قبل از سررسید، از قابلیت تنزیل در بازار ثانویه برخوردار است (قضاوی و بازمحمدی، ۱۳۸۹). این اسناد هیچ‌گونه پرداخت میان دوره‌ای به عنوان سود ندارند و سرمایه‌گذاران از مابه‌التفاوت قیمت خرید اوراق و ارزش اسمی دریافتی آن در سررسید، منتفع می‌شوند (نجفی علمی و دیگران، ۱۳۹۴).

اگرچه اسناد خزانه به صورت جدی در بودجه‌های سنواتی و بازارهای مالی کشور مطرح شده است و در حال حاضر نیز در حدود حداقل پنج نوع از اسناد خزانه در بودجه‌های سنواتی، منتشر می‌شود، اما در بحث انتشار انواع اوراق خزانه اسلامی، بررسی‌های اسلامی و تطبیق انواع اوراق خزانه با انواع بیع دین در بازارهای ثانویه و اولیه با دقت و به صورت کفایت انجام نشده و از نظر برخی کارشناسان، در مواردی این اسناد دارای شبهه ربوی است. بنابراین ماهیت و کارکرد این اسناد به بحث و بررسی بیشتری نیاز دارد.

هدف این مقاله، بررسی احکام انواع اسناد خزانه اسلامی با توجه به ماهیت و کارکردهای انواع این اسناد (به خصوص در بازار ثانویه)، در تطبیق با کارکردهای اوراق متعارف ربوی است. این تطبیق با استفاده از روش اجتهادی تنقیح مناط انجام می‌شود. تنقیح مناط در اصطلاح فقها یکی از شیوه‌های استنباط حکم است که با اجتهاد و نظر،

علت حکم از اوصاف غیردخیل که در نص آمده تمییز داده می‌شود، تا بتوان حکم را در تمام مواردی که علت وجود دارد تعمیم داد. بنابراین در تحقیق حاضر ابتدا با نگاهی اجمالی به انواع دین و احکام بیع دین و همچنین تبیین اختلافات فقها در انواع بیع دین، به بررسی و تحلیل علت اختلافات در مورد تنزیل پولی می‌پردازیم. سپس به بررسی بازار ثانویه در تطبیق با کارکردهای اسناد ربوی از نگاه کلان می‌پردازیم و در نهایت نیز با استخراج پنج نوع از اسناد خزانه از نظر نوع عقد مورد نظر، با تطبیق انواع اسناد خزانه در بازار اولیه با انواع بیع دین و یا عقود دیگر، حکم هر نوع از اسناد خزانه را براساس نظر مشهور در ذیل آن بیان می‌کنیم.

۱. پیشینه تحقیق

بعد از بررسی تحقیقات انجام شده مشاهده شد که اولاً، در بحث اسناد خزانه اسلامی از نگاه فقهی، تاکنون تحلیل جامعی درباره علت اختلاف فقها در برخی انواع بیع دین و تطبیق آن با بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی انجام نشده است. ثانیاً، تاکنون همه انواع اسناد خزانه اسلامی در ایران به صورت جامع همراه با تفکیک بازار اولیه و ثانویه بررسی نشده است. این تحقیق با نگاهی جامع که تاکنون انجام نشده، موارد فوق را بررسی کرده است. البته برخی مقالات مشابه، تحقیقاتی را انجام داده‌اند، که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

خادم‌الحسینی اردکانی و موسویان (۱۳۹۱)، در مقاله خود، ضمن معرفی و ارائه کارکردهای اسناد خزانه اسلامی در مقایسه با اسناد خزانه متعارف و همچنین بررسی وضعیت و تبعات کسری بودجه دولت در شرایط مختلف، نشان داده‌اند که دولت می‌تواند با استفاده از اسناد خزانه اسلامی که براساس عقود اسلامی طراحی شده‌اند، نیازمندی‌های مختلف خود را پوشش دهد. در این تحقیق سه نوع اسناد خزانه خرید خدمت، خرید کالا و تأمین وجوه نقد و عقود فقهی آنها، مورد بررسی قرار گرفته است.

موسویان، ندری و میسمی (۱۳۹۴)، در مقاله خود، ضمن بررسی مفاهیم فقهی و ابعاد بیع دین، به بررسی امکان سنجی تبدیل بدهی‌های دولت و بانک‌ها در مقابل بانک مرکزی به صورت اوراق بهادار پرداخته و ضوابط استفاده از اوراق بیع دین به منظور سیاستگذاری

پولی را برجسته کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نمی‌توان بر روی بدهی دولت و بانک‌های دولتی به بانک مرکزی به دلیل اتحاد مالکیت، اوراق منتشر کرد؛ اما نسبت به بدهی بانک‌های خصوصی این انتشار منع فقهی وجود ندارد و حتی دارای دلالت‌های سیاست پولی قابل توجهی است.

مبیین و امیرحسینی (۱۳۹۴)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور»، به بررسی، نقد و تحلیل دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی در خصوص ماهیت تنزیل اسناد تجاری، پرداخته‌اند. در این تحقیق، تحلیل جامعی از ماهیت تنزیل اسناد تجاری در نظام بانکی ارائه شده و شرایط آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تحلیل تنزیل اسناد تجاری در بانکداری اسلامی در قالب عقد «خرید دین» قابل تحلیل و منطبق با قول مشهور فقهای امامیه است.

کریمی گلنار و شیری (۱۳۹۵)، در مقاله خود با توجه به اختلاف فقهای امامیه در برخی موارد بیع دین، مفاهیم و احکام بیع دین را به صورت تفصیلی بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصل موضوع بیع دین و تنزیل مورد وفاق فقهای امامیه است و بنابراین نتایج تحقیق قرارداد تنزیل دین را برای نظام بانکی توصیه می‌کند. همچنین در ادامه معامله پول و تنزیل آن به تفصیل بررسی شده است. در پایان محققان علاوه بر خرید دین پولی، خرید دین غیرپولی را نیز در بسیاری موارد مجاز و برای نظام بانکی قابل استفاده می‌دانند و معتقدند دستورالعمل اجرایی خرید دین در شرایط فعلی دارای محدودیت غیرضروری است.

۲. مروری بر احکام مرتبط با اسناد خزانه اسلامی

بدون شک بیان تمام احکام و جزئیات خرید و فروش اسناد خزانه اسلامی که از نظر اکثر فقها برگرفته از خرید و فروش بیع دین است،^۱ در این مقاله میسر نیست. بنابراین در این قسمت

۱. البته برخی فقها، عقود دیگری همانند صلح و تبدیل تعهد، را در این زمینه بیان کرده‌اند.

تنها به بیان احکام مورد نیاز بسنده می‌شود و سپس بعد از تعریف بعضی مفاهیم، برخی احکام بیع دین را به طور مختصر بررسی می‌کنیم.

۲-۱. دین و انواع آن

براساس تعریف حضرت امام (ره) از نظر اصطلاحی، دین مالی کلی است که به سببی در ذمه یک شخص برای شخص دیگر ثابت می‌شود و به شخصی که ذمه‌اش مشغول شده «مدیون» یا «مدین» و به شخص دیگر «داین» یا «غریم» گفته می‌شود. سبب ثبوت دین در ذمه، گاهی از امور اختیاری مانند قرض یا مبیع در سلم یا ثمن در نسیه است و گاهی از امور قهری مانند موارد ضمان و نفقه همسراست. بنابراین هر قرضی دین است، اما عکس آن صحیح نیست (خمینی، ۱۳۷۹: ۶۴۷).

دین حال دینی است که داین حق مطالبه آن را دارد و بر مدیون تأدیه آن در هر زمانی در صورت تمکن واجب است. دین مؤجل دینی است که داین حق مطالبه آن را ندارد و بر مدیون ادای آن واجب نیست، مگر پس از منقضی شدن مدت تعیین شده (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۵۷). دین یا قبل از معامله و یا به سبب معامله ایجاد می‌شود. برخی فقها به مورد اول دین (یا دین قبل از معامله) و به مورد دوم مضمون (یا دین بعد از معامله) می‌گویند. روشن است که دین بعد از معامله برای معاملات بعدی همان دین قبل از معامله محسوب می‌شود.

۲-۲. بررسی احکام انواع بیع دین

۲-۲-۱. تنزیل دین

از آنجاکه بحث تنزیل دین و یا فروش دین در مقابل پول به مبلغی کمتر، برای بررسی بازار اولیه و ثانویه یکی از بحث‌های اصلی این مقاله است، در این قسمت موارد مختلف تنزیل دین را بررسی می‌کنیم. این موارد عبارتند از:

۲-۲-۱-۱. اختلاف فقها در صحت تنزیل

فروختن دین حال به بدهکار و نیز به قول مشهور به غیربدهکار جایز است؛ اما در صحت فروش

دین مؤجل، قبل از سررسید آن بین فقها اختلاف وجود دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۸۲). براساس نظر شهید اول در کتاب دروس شرعیه، اگر دین مؤجل باشد بیع آن مطلقاً جایز نیست (شهید اول، ۱۴۱۴ هـ.ق: ۳۱۳). حضرت امام خمینی (ره) بعد از بازنگری در فتوای اولیه خود در عدم اشکال بر تنزیل دین، در مورد فروش چک یا سفته به طور کلی حکم به ربا و حرمت آن کرده‌اند (خمینی، ۱۴۲۲ هـ.ق: ۱۷۵). دیدگاه مشهور این است که تنزیل و بیع دین پولی جایز است. شهید صدر تصریح می‌کند که بسیاری از علما آن را جایز می‌دانند. در این باره می‌توان به نظرات آیات عظام خوئی، گلپایگانی، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم شیرازی و... اشاره کرد (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

۲-۲-۱-۲. اختلاف فقها در صحت فروش دین به شخص ثالث

اگر دارندگان اوراق خزانه، اوراق خود را در بازار ثانویه، به شخص ثالثی (غیر از مدیون) بفروشند، در اصطلاح فقهی به این عمل بیع دین به غیرمدیون گفته می‌شود (موسویان، نظریور و خزائی، ۱۳۹۰). براساس نظر ابن ادریس در کتاب سرائر اگر دین مؤجل باشد فروش آن بدون هیچ اختلافی به غیرمدیون جایز نیست (ابن ادریس، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۵۵)؛ از نظر برخی فقها دادوستد طلب، در صورتی که دو طرف معامله، بستانکار و بدهکار باشند و نیز به قول مشهور فروختن طلب به غیر بدهکار پس از رسیدن موعد آن (دین حال)، جایز است، اما در جواز آن پیش از رسیدن موعد آن (دین مؤجل) اختلاف است. بیشتر فقها این صورت را نیز جایز می‌دانند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ الف: ۷۱۸). طی صد سال اخیر اغلب فقهایی مانند: سید یزدی، بروجردی، موسوی خوئی، امام خمینی (طبق قول اولشان)، سیستانی، مکارم شیرازی، تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی، افزون بر خرید و فروش دین با مدیون، خرید و فروش دین به شخص ثالث به مبلغی کمتر از مبلغ اسمی را مجاز می‌دانند (موسویان، نظریور و خزائی، ۱۳۹۰). در مواردی، فقها تنزیل دین را جایز می‌شمارند اما به علل مختلف، آن را تنها به فرد مدیون بدون اشکال می‌دانند. برخی علت را سوءاستفاده نظام بانکی و اقتصادی از این حکم در جهت انجام معاملات ربوی می‌دانند. برای مثال مقام معظم رهبری در استفتائات خود فروش چک، به فرد ثالث را دارای اشکال، اما فروش آن به فرد بدهکار را بدون اشکال می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱: ۴۷۶).

۳-۱-۲-۲. اختلاف فقها در میزان پرداخت

در کتب متعددی از جمله تهذیب، حضرت رضا (ع) می‌فرمایند فرد خریدار دین تنها می‌تواند به اندازه‌ای که به صاحب دین پرداخته است، از فرد مدیون مطالبه کند و مدیون نسبت به بقیه مقدار دین بری الذمه است (کاشانی، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۷۲۹). البته مشهور علما این حدیث را به علت ضعف اسناد و مخالفت با قواعد شرعی رد کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق: ۱۵۸). در موارد جواز فروش دین مؤجل در صورت فروش طلب بستانکار به غیربدهکار، در اینکه هنگام سررسید طلب، بر بدهکار واجب است مبلغی را که شخص سوم به طلبکار پرداخته، به وی بپردازد و نسبت به افزون بر آن، بری الذمه می‌شود یا لازم است همه بدهی را به شخص سوم بپردازد، اختلاف است. قول دوم، مشهور است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ الف: ۷۱۹-۷۱۸). مقام معظم رهبری در استفتای شماره ۱۶۰۸، شرط زیادی را در خرید و فروش اوراق قرضه نفی کرده و بیان می‌دارند که اگر فرد مورد نظر اوراق را تنها به همان قیمتی که از دولت یا فرد دیگری خریده است یا به قیمتی کمتر از آن بفروشد اشکالی ندارد و در غیر این صورت دارای اشکال است (farsi.khamenei.ir). همچنین برخی فقها معتقدند خرید دین، کمتر از میزان آن در سررسید اشکال دارد. به عبارت دیگر گروهی دیگر بین خرید دین به میزان دین و خرید دین به کمتر از میزان دین قائل به تفصیل شده‌اند؛ با این توضیح که خرید دین به میزان کمتر از دین را جایز یا دست کم دارای اثر حقوقی نمی‌دانند (کریمی گلنار و شیرینی، ۱۳۹۵). در بحث احکام دین در کتب فقهی نیز، فقها بر این نظرند که در زمان فوت مدیون، همه دین‌های مؤجل مدیون باید ادا شود و سخنی از کاهش مبلغ آن به میان نیامده است.

۳-۲-۲. بیع دین به دین

باطل بودن فروش دین به دین، انکارناپذیر است، مانند اینکه زید بر ذمه کسی مقداری گندم دارد و عمرو هم مقداری پول از فردی دیگر طلبکار است. زید آن گندم را در برابر این پول می‌فروشد (مومن قمی، ۱۳۷۴: ۲۲۲). در دیدگاه مشهور، بیع دین به دین در صورتی که هر دو دین قبل از عقد، دین باشند،^۱ صحیح نیست بدون تفاوت در اینکه هر دو حال باشند

۱. به عبارت دیگر بیع دو دین که قبل از عقد دین بوده‌اند؛ مصداق بارز بیع دین به دین بوده و اشکال شرعی دارد.

یا هر دو مؤجل یا یکی حال و دیگری مؤجل و اگر هر دو دین، به سبب عقد، دین باشند در صورتی که هر دو مؤجل باشند، باطل است و گرنه صحیح است و اگر یکی دین قبل از عقد باشد و دیگری دین به سبب عقد، در صورتی که دومی (دین به سبب عقد) مؤجل باشد باطل است اما اگر دومی، مؤجل نباشد بلکه حال باشد صحیح است (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۷۷).

۳. ربا و حرمت بیع دین به دین

امام خمینی (ره) در کتاب صلح خود در تحریر، بعد از بیان شرایط یک عقد صلح که به نسبت دیگر عقدها دارای شرایط بسیار سهل تری است، بیان کرده‌اند که اگر از مال ربوی، به جنس خودش با گرفتن اضافه، مصالحه شود، اقوی آن است که حکم ربا در آن جاری است؛ پس باطل است. همچنین از نظر بسیاری از فقها علت حرمت بیع دین (با تعریف عام و گسترده دین) ربا و غرر است. بنابراین بر مبنای کتب فقهی در صورت انجام ربا در معاملات جایز در حوزه بیع دین، انجام آنها دیگر جایز نیست. در این قسمت نظرهای فقهای اهل سنت و اهل تشیع و همچنین چند روایت در این زمینه بیان می‌شود، البته برخی دیگر غرر و نزع را نیز به عنوان حرمت این بیع مطرح کرده‌اند.

۳-۱. اهل سنت

بعضی از فقهای اهل سنت، بیع دین به مدیون و به غیرمدیون را در ازای پرداخت کمتر، با عنوان «حط و تعجیل» منع کرده‌اند و دلیل بر منع، را شباهت آن به ربا می‌دانند و وجه شباهت را در این می‌دانند که در هر دو مورد، زمان بخشی از ثمن قرار می‌گیرد (جوهری، ۱۴۰۵ هـ.ق: ۸۳). علمای عامه (غیرشیعه) عموماً تنزیل را جایز ندانسته و در این خصوص در مواردی با صراحت تنزیل را حرام می‌دانند (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۸۰). در بحث فروش دین مؤجل به غیرمدیون در صورتی که ثمن حال باشد، مالکيه بر این باور است که با احراز شرایط هشت‌گانه این بیع صحیح است. یکی از این شرایط این است که ثمن از جنس دین نباشد و در صورت هم جنس بودن، مساوی باشند (موسویان، نظریور و خزائی، ۱۳۹۰).

۲-۳. اهل تشیع

کسانی که خرید و فروش بدهی را جایز می‌دانند؛ معامله را مشروط به رعایت سلامت از ربا می‌دانند. برای مثال اگر شخصی از دیگری ۱۰ کیلو گندم طلب داشته باشد نمی‌تواند طلب خود را به شخص سومی به مقدار هشت کیلو گندم نقد بفروشد؛ زیرا معامله نسبه گندم با گندم مستلزم رباست. همین‌طور اگر کسی از دیگری صد دینار طلب داشته باشد، اگر بخواهد طلب خود را به دیگری به مقدار کمتر به‌طور نقد بفروشد، این معامله ربوی بوده و جایز نیست (فراهانی، ۱۳۷۷: ۶۴). در بحث پرداخت مقدار دین به کمتر از میزان اصل دین در زمان خرید دین، بعضی فقها مانند شهید صدر معتقدند احتیاط مستحب برای خریدار دین این است که بیشتر از مقداری که به داین پرداخته است از مدیون نگیرد. البته باید توجه داشت که جواز دین به اقل در صورتی است که ربا لازم نیاید یا به عبارت دیگر از یک جنس یا از جنس ربوی^۱ نباشند (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۶۴).

تنزیل پول از نظر بسیاری از فقها جایز است، چراکه بیع دین به کمتر جایز است، به شرطی که دین از طلا و نقره و مکیل و موزون نباشد (صدر، ۱۴۰۱ هـ.ق: ۱۵۹). از نظر برخی علما، خرید و فروش اوراق نقدی در صورتی که نشان‌دهنده دو کالای متماثل باشد، دارای احکام مثلیات بوده و ربوی محسوب می‌شود و فقط زمانی در آنها ربا جریان ندارد که حکایت از کالای مکیل و موزون نکرده باشند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۷۵). از نظر شهید صدر بیع سفته دوستانه همان بیع پول است که ربای معاملی است و جایز نیست، اما بیع سفته واقعی را نباید با آن قیاس کرد. در معامله بر روی پول ممکن است ماهیتاً و حقیقتاً در بعضی موارد، همان قرض ربوی اتفاق افتد اما در معامله بر روی دین پولی، چنین نیست (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

۳-۳. نهی از ربا در بیع دین در روایات

در این قسمت به صورت خلاصه تنها چند روایت را در ارتباط با بیع دین و معاملات سلف

۱. منظور این است که در این شرایط نباید ربای معاملی پیش بیاید و در صورت انجام ربا این عقد صحیح نیست.

و مرتبط با بحث ربا مرور می‌کنیم. این روایات نشان می‌دهند که مسئله ربا در بیع دین از نگاه معصومین همواره به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی در بیع دین مطرح بوده است.

از علی بن جعفر نقل شده است که از حضرت سؤال کردم در مورد فرد داینی که در ذمه شخص مدیونی، دینی از جنس خرما یا جو یا گندم، طلب دارد؛ آیا برای داین جایز است که به اندازه قیمت جنس در ذمه، مقداری درهم از مدیون بگیرد؟ حضرت در جواب فرمود: در صورتی که جنس در ذمه بر حسب درهم، قیمتگذاری شود، معامله فاسد است، زیرا در این حالت، چیزی را که با درهم می‌خرد، در اصل خود، درهم است و معامله درهم با درهم، صحیح نیست (عاملی، ۱۴۱۶ هـ.ق: ۳۰۸). امام باقر (ع) فرمود: امام امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: هر فردی که (در معامله‌ای سلف) در مقابل مقداری درهم مسکوک، مقداری گندم یا علف را با أجل و سرآمدی معین خریداری کند ولی طرف معامله‌اش، گندم و جو پیدا نکند و از وی بخواهد که مقداری درهم مسکوک به قیمت روز قبول کند، فرد داین (طلبکار) نبایستی چیزی جز گندم یا علف، قبول کند، البته اگر گندم و علف نیافت نشد و در نتیجه به ناچار، به جای گندم و علف، درهم مسکوک گرفت، پس نبایستی به مقداری بیشتر از اصل مالش (که در ابتدا داده است)، قبول کند؛ به صورتی که نه ظلم کند و نه به او ظلم شود (همان).

در روایت دیگری چنین بیان شده است: «در مورد شخصی که به او گندم فروخته، و ثمن آن را تا أجل و مهلت معینی به تأخیر انداخته بودم. در زمان سررسید و حلول أجل، از او مطالبه درهم خویش را کردم اما او اظهار داشت که درهمی ندارد ولی گندم دارم و می‌توانی آن را از من (در برابر آن دین) بخری. حضرت (ع) فرمود: این معامله را انجام نده و از او، آن گندم را نخر که خیری در آن نیست» (همان: ۳۱۲). در روایتی بیان شده است که بیع سلم حیوان اشکالی ندارد، بنابراین اگر حیوانی که از آن صحبت شده است مطابق وصف و صفات بیان شده بود، بیع انجام شود و اگر مطابقت نداشت، فرد خریدار نسبت به درهم‌های خود محق تراست و نسبت به زمان، چیزی اضافه‌تر دریافت نمی‌کند (همان: ۳۱۰).

۴. بررسی ربا در تنزیل دین پولی

تنزیل یک سند به منزله فروش نسبه اسکناس معادل با مبلغ اسمی آن سند به مبلغ

کمتر است؛ این معامله در صورتی جایز است که خرید و فروش نسبه اسکناس جایز باشد. مشروعیت خرید و فروش اسکناس خود مبتنی بر دو شرط است: اول، حرمت ربای معاملی منحصر در اشیای مکمل و موزون باشد. دوم، خرید و فروش نسبه اسکناس از نظر عرف مردم، معامله محسوب شود نه قرض (فراهانی، ۱۳۷۷: ۷۲). با بررسی عمیق تر این دو شرط، قضاوت درباره بازار ثانویه اسناد خزانه آسان تر انجام می شود.

۴-۱. بررسی پول از جهت مکمل و موزون

۴-۱-۱. پول مکمل و موزون نیست

صحت فروش دین به کمتر نزد قائلان جواز آن، مشروط به دو شرط است: معامله نقدی صورت گیرد و از فروش آن، ربا لازم نیاید. برای مثال، دین مورد معامله از مکمل (پیمانهای) و موزون (وزنی) نباشد همانند طلا یا نقره (اما معامله غیر مکمل و موزون همانند اسکناس بدون اشکال است) و یا اگر از جنس آنهاست، به غیر جنس خود فروخته شود. همانند دینار عراقی در ذمه به ریال ایرانی (خوئی، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۵۵). در صورتی که سفته از وجود قرض حقیقی حکایت کند و فرد دائن ورقه سفته را بگیرد تا نزد شخص ثالثی به مبلغ کمتر تنزیل کند، و آنچه را که در ذمه مدیون دارد به کمتر از آن بفروشد، اشکالی ندارد.^۱ در صورتی که عوضین از مکمل و موزون نباشند، مانند اسکناس ایرانی، دینار عراقی، و دلار و سایر اوراق نقدی؛ زیرا اینها نه مکمل اند و نه موزون و اعتبار دادن دولت ها به آنها، آنها را ثمن قرار داده است و امثال اینها حکایت کننده از طلا و نقره نیست بلکه قابلیت شان جهت تبدیل به آنها، موجب اعتبار آنها شده است (خمینی، ۱۴۲۵ هـ.ق: ۴۲۵).

۴-۱-۲. پول مکمل و موزون است

برخی از قدما مانند شیخ مفید (ره) و بعضی از معاصرین چون شهید مطهری گستره ربا را شامل سایر کالاهایی که به نحوی قابلیت اندازه گیری دارند می دانند و بعضی مانند شهید

۱. ظاهراً این قول مربوط به نظر اول امام خمینی (ره) بوده و نظر ایشان در اواخر عمر تغییر کرده است.

صدر، ربا را در جمیع اشیای مثلی، جاری می‌داند. بنابراین برطبق نظر این بزرگان، اسکناس هم جزء کالاهای مکیل و موزون (ربوی) محسوب شده، معامله آنها همراه با زیادی با اشکال روبه‌رو می‌شود (فراهانی، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۲). در بحث ربای معاملی، مکیل و موزون خصوصیت ندارد. مقدر خصوصیت دارد، یعنی قابل تقدیر و مقصود همان کمیت است. در حکمت و فلسفه ربا، میان «مکیل و موزون» و معدود چه فرقی وجود دارد؟ البته معدودهایی که ملاک ارزش آنها کمیت نیست مثل اسب همین‌طور است، ولی میان معدودهایی که ارزش آنها به کمیت است و مکیل و موزون، در این باره فرقی نیست (مطهری، ۱۳۶۴: ۴۸). بنابراین تنزیل از نظر ما اشکال دارد، به عبارت دیگر اگر کسی از دیگری برای مدت ۶ ماه صد هزار تومان طلبکار است و می‌خواهد آن را به نودوپنج هزار تومان نقدی به شخص دیگری بفروشد، دارای اشکال است (همان: ۱۱۷).

۲-۴. نگاه عرف درباره تنزیل دین

برخی معتقدند فروش هزار تومان مثلاً به هزاردویست تومان به‌طور نسبی، در نظر عرف قرض است، که قالب خرید و فروش پیدا کرده است. امام خمینی نیز چنین معاملاتی را راهی برای فرار از ربا به حساب آورده و از این رو آنها را جایز نمی‌داند. همان‌طور که درباره کسی که هزار تومان را به دیگری به هزاردویست تومان نسبی بفروشد، قضاوت می‌شود که قرض ربوی داده است؛ همین قضاوت درباره کسانی که سفته هزار تومانی اشخاص را به هشتصد تومان کاهش می‌دهند، نیز وجود دارد؛ در عرف مردم بین رباخوار و نزول خوار تفاوتی نیست (فراهانی، ۱۳۷۷: ۷۴-۷۳). قرض ربوی حرام است و فرقی نیست بین اینکه مالی که قرض داده شده، ربوی باشد یعنی از مکیل و موزون باشد و (یا) غیرربوی باشد، یعنی معدود و شمردنی باشد (خمینی، ۱۴۲۵ ه.ق: ۶۳۹). از نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی اسکناس جزء معدودات است و قاعدتاً حکم ربا در خرید و فروش آن جاری نمی‌شود. ولی در عرف عقلا اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبه مثنی ندارد. هیچکس در عرف بازار نمی‌گوید من ده هزار تومان نقد را به شما می‌فروشم به یازده هزار تومان، یک ماه، مگر کسانی که بخواهند آن را حیلۀ فرار از ربا قرار دهند (یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

اگر صد عدد تخم مرغ در مقابل ۱۰۰ عدد به مدت دو ماه معاوضه شود؛ اگر به عنوان قرض باشد ربا و اگر خرید و فروش باشد ربا نیست. در فروش لازم است که مال فروخته شده غیر از عوض او باشد، بنابراین اگر مثلاً صد عدد تخم مرغ را به ۱۱۰ عدد در ذمه بفروشد بایستی بین آنها امتیاز باشد، مثل اینکه صد عدد تخم مرغ بزرگ را به ۱۱۰ عدد متوسط در ذمه بفروشد زیرا که اگر امتیاز بین آنها به وجهی نباشد، بیع محقق نشده، بلکه واقع قرض بوده و به صورت بیع است و از این جهت معامله حرام است (خمینی، ۱۴۲۴هـ.ق: ۸۳۹).

۵. بررسی عملکرد کلان اسناد خزانه در بازار ثانویه

در برخی موارد، حکم فردی و اجتماعی متفاوت است و از بابت مصلحت اجتماعی برخی احکام فردی اجتهاد می‌شود. برای مثال فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی به جهت مصلحت اجتماع بوده و مصرف تنباکو از نگاه فردی در ابتدا دارای حرمت نبوده است. با نگاهی به نظر فقها درباره فلسفه حرمت ربا، بهتر است ماهیت تنزیل در بازار ثانویه اسناد خزانه با عملکرد اوراق متعارف بررسی شود. بنابراین ضمن تبیین ماهیت تنزیل اوراق در بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی، برخی علل و کارکردهای تحریم ربا را بیان و سپس به تطبیق اجمالی عملکرد کلان بازار ثانویه در تنزیل اسناد خزانه با کارکردهای اوراق ربوی می‌پردازیم. این مقایسه براساس روش اجتهادی تنقیح مناط انجام شده است؛ در این روش بعد از بررسی علل و فلسفه حرمت ربا، این موارد را در بازار ثانویه اسناد خزانه بررسی کرده و در نهایت حکم بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی از نظر ربوی بودن جمع بندی می‌شود.

۵-۱. ماهیت بازار ثانویه

شاید بتوان گفت بازار ثانویه اسناد خزانه، را باید به عنوان یک پدیده اجتماعی نگاه کرد و این پدیده از تنزیل دین به شکل سنتی متفاوت است. در این زمینه چند تفاوت وجود دارد: اول، در بازار اسناد خزانه قیمت اوراق براساس عرضه و تقاضا تعیین و دارای یک قیمت همگراست، اما در تنزیل دین سنتی قیمت‌های تنزیل براساس شرایط، کالاها و افراد مختلف، متفاوت بوده و همگرایی مشخصی ندارد. دوم، در بازار اسناد، دین مورد نظر برای

همه افراد و برای دفعات مختلف، قابل خرید و فروش است (ترویج تنزیل دین)، اما در بازار سنتی، تنزیل دین معمولاً دارای مخاطبان خاصی است و به صورت عمومی نیست. سوم، شرط وقوع تنزیل دین در بازار اسناد خزانه، پرداخت قیمت تعادلی یا کمی بالاتر است، اما در تنزیل دین به صورت سنتی، شرایط دیگری باید فراهم شود و تنها با داشتن مبلغ مورد نظر نمی‌توان تنزیل دین را انجام داد. چهارم، تنزیل دین در بازار اوراق، منحصر به عرضه مبلغ اصلی دین از طرف خریدار دین نمی‌شود و اوراق در قطعات مشخصی (به صورت مشارکتی) به فروش می‌رسند، اما تنزیل دین در بازار سنتی معمولاً منحصر به پرداخت کامل مبلغ قرارداد و به صورت غیرمشارکتی است. پنجم، تنزیل در بازار اسناد توسط ناشر تضمین می‌شود، در حالی که تنزیل دین به صورت سنتی دارای ریسک‌های مختلف است. به نظر می‌رسد احکام بیع دین منحصراً برای تحلیل تنزیل دین برای دو فرد به شکل سنتی، است و با احکام بازار ثانویه اسناد خزانه به عنوان یک پدیده جدید، متفاوت است. به عبارت دیگر، ایجاد بازاری به منظور تنزیل دین و ترویج این مسئله (با فرض شرایط صحت بیع دین) با شرایط بازار ثانویه اوراق خزانه، دارای همان حکم خرید دین به صورت غیرسازمان یافته و سنتی نیست. به نظر می‌رسد از آنجاکه آثار و شرایط این دو مسئله با یکدیگر متفاوت است، باید نسبت به تسری حکم شارع مقدس برای بازار ثانویه نیز دقت و بررسی بالایی انجام شود.

۲-۵. فلسفه تحریم ربا

با دانستن فلسفه و علت تحریم ربا، مجتهد می‌تواند در مواردی که احتمال ربا می‌رود، با اطمینان بیشتری قضاوت نماید و حکم مرتبط با موضوع مورد بحث را مشخص می‌کند. در این شرایط حیل‌های ربا که ظاهر شرعی، اما دارای همان کارکرد ربوی هستند نیز مشخص می‌شوند.

ربا اکل مال به باطل و بنابراین حرام است، اکل مال به باطل یعنی انسان بدون دلیل عقلی و منطقی درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل مال به باطل درآمد بی‌جهت و بادآورده است (کریمی گلنار و شیرینی، ۱۳۹۵). جلوگیری از ظلم، گسترش کارهای خیر،

جلوگیری از اکل مال به باطل، رکود و اختلاف طبقاتی و رابطه صحیح سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی مفید در اقتصاد از جمله علل حرمت رباست (علوی، ۱۳۹۰). از نگاه برخی، در نهایت نمی‌توان برای حرمت ربای معاملی ملاک مطمئنی را یافت، اما می‌توان ملاک حرمت ربای قرضی را غرر ناشی از آن دانست، ضمن آنکه می‌توان برخی ملاک‌های مطرح شده را به غرر بازگرداند (گرامی، ۱۳۸۵). در قرآن، مسئله اصلی ربا به فاصله مبهم و ناآشنکاری بین اقتصاد واقعی و اقتصاد اسمی برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر این شرایط، نوعی اختلال شناختی در روابط اقتصادی پدید می‌آورد (هادوی‌نیا، ۱۳۹۳). در بسیاری از روایات اساساً فلسفه حرمت ربا این است که جلوی قرض الحسنه‌ها گرفته نشود. (مطهری، ۱۳۹۱: ۳۴۷).

بنابراین علل تحریم ربا عبارتند از:

۱. جلوگیری از اکل مال به باطل،
۲. جلوگیری از ظلم آشکار دارندگان و جوه نقد به قرض‌گیرندگان،
۳. جلوگیری از فاصله طبقاتی افراد مرفه و سرمایه‌دار نسبت به افراد بدون سرمایه،
۴. جلوگیری از رکود اقتصادی حاصل از عدم به‌کارگیری صحیح و مفید سرمایه،
۵. جلوگیری از عدم هماهنگی بازارهای مالی و ایجاد بحران‌های مالی کلان،
۶. جلوگیری از ترویج قرض الحسنه و کار خیر در جامعه.

۳-۵. مقایسه عملکرد کلان اسناد خزانه اسلامی و متعارف در بازار ثانویه

بعد از بررسی تفاوت در موضوع بازار ثانویه اسناد خزانه و بیع دین به شکل سنتی، تطبیق کارکرد بازار ثانویه اسناد خزانه و اوراق ربوی انجام می‌شود، البته اگرچه مقایسه عملکرد این اوراق با اوراق خزانه متعارف که ربوی هستند، دارای ظرایف و نکات بسیاری است، اما در این قسمت بازار ثانویه اوراق خزانه اسلامی از نظر خریدار و فروشنده نسبت به کارکردهای اوراق ربوی، مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد.

در اوراق ربوی، همانند بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی، خریدار اوراق مبلغ مازاد خود را در بازار ثانویه، اوراق خریده و بعد از سررسید، قیمت اولیه همراه با مقدار اضافی را از فروشنده اصلی دریافت می‌کند. با بررسی مختصر موارد شش‌گانه حرمت ربا می‌توان

چنین گفت: ۱. فرد خریدار اوراق برای دریافت مبلغ اضافی از فروشنده اصلی کار و تلاشی انجام نداده است. ۲. خریداران اوراق عملاً مبلغ زیادی را بدون تلاش و تنها درازای زمان از مدیونین اصلی و واسطه‌ای دریافت کرده‌اند. ۳. خریداران اوراق (صاحبان سرمایه) با استفاده از سود اوراق بر ثروت خود می‌افزایند و دولت برای بازپرداخت اصل و سود این اوراق از منابع عمومی و ثروت عموم افراد جامعه هزینه می‌کند (ایجاد اختلاف طبقاتی). ۴. خریدار اوراق، نرخ سود بالا و بدون ریسک را بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد واقعی ترجیح می‌دهد و موجب کاهش سرمایه‌گذاری و رکود می‌گردد. ۵. امروزه ناشر یا دولت (به‌عنوان مدیون) با تعویق بدهی، در طول زمان بار بدهی فزاینده و بحران‌های مالی بیشتری را ایجاد می‌کند (بحران‌های مالی بدهی دولت). ۶. به‌علت هزینه فرصت سرمایه با توجه به بازار اوراق، افراد تمایل کمتری به قرض‌الحسنه و انواع کارهای خیر مالی دارند.

نتیجه بررسی این است که در موارد بررسی انتشار اوراق خزانه در بازار ثانویه چه از نگاه خریدار و چه از نگاه فروشنده؛ عملکرد کلان اسناد خزانه متعارف و اسناد خزانه اسلامی مشابه است. بنابراین باید بیان کرد بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی از بعد اجتماعی و آثار اجتماعی، دارای کارکرد مشابه بازار اسناد ربوی است.

۶. بررسی انواع اسناد خزانه اسلامی در بازار اولیه

در این قسمت انواع اسناد خزانه که تاکنون توسط دولت در بازار اولیه منتشر شده است، را با توجه به احکام ذکر شده مورد بحث قرار می‌دهیم.^۱ ابتدا موضوع را برای هر یک از انواع اسناد خزانه مطرح و سپس حکم آن را با توجه به نتایج قبلی برای بازار اولیه بیان می‌کنیم. در اینجا تقسیم‌بندی براساس نوع عقد مطرح می‌شود و موارد دیگری همانند زمان اسناد، انواع فروشنده و خریدار مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

۱. اسناد تسویه خزانه ماهیتاً با اسناد خزانه متفاوت است و دارای اشتراک لفظی است، بنابراین بررسی نمی‌شود.

۶-۱. اسناد خزانه نوع اول (ایجاد بدهی مؤجل)

۶-۱-۱. تبیین موضوع

در بسیاری موارد انتشار اسناد خزانه بابت خرید کالا به صورت نسیه و یا خرید خدمت و پرداخت مبلغ در زمان سررسید، در قالب عقود همانند استصناع و جعاله انجام می‌شود.^۱ در این موارد ناشر (دولت) برای خرید وسایل مورد نیاز یا تأمین هزینه جاری به جهت محدودیت بودجه به دنبال خرید نسیه این وسایل است و به جای پول نقد، اسناد بدهی استاندارد را با تعهد پرداخت خزانه‌داری کل می‌پردازد. دارندگان اسناد می‌توانند تا سررسید صبر کرده و مبلغ اسمی اوراق را دریافت کنند و یا می‌توانند با کسری از قیمت اسمی، اوراق را تنزیل کرده و در بازار ثانویه بفروشند (موسویان، نظریور و خزائی، ۱۳۹۰).

۶-۱-۲. حکم

انتشار این اسناد در بازار اولیه، بیع نسیه یا عقد جعاله توسط دولت بوده و جایز است و فقط انتشار این اوراق باید در بازار ثانویه بررسی شود. از این رو حکم این اسناد و خرید و فروش آنها، تنها وابسته به حکم خرید و فروش این اسناد در بازار ثانویه است.

۶-۲. اسناد خزانه نوع دوم (بدهی گذشته؛ جبران تأخیر)

۶-۲-۱. تبیین موضوع

معمولاً دولت برای جبران ضرر حاصل از تأخیر در پرداخت پول بدهکاران، میزان اسناد را هنگام تحویل، نسبت به میزان سررسید به گونه‌ای مشخص می‌کند که به ازای هر سال تأخیر، درصدی برای پیمانکاران در نظر گرفته شود. در برخی موارد این درصد در حدود نرخ بهره بازار است.

در موارد تأخیر پرداخت بدهی دولت به پیمانکاران، به استناد مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، می‌توان در انتشار اسناد خزانه مدت‌دار توسط خزانه‌داری به میزان

۱. در بند «ه» از تبصره «۵» لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، انتشار بخشی از اسناد بابت این موارد ذکر شده است.

مبلغ جریمه‌ها به مبلغ اسمی دیون اضافه کرد (خادم‌الحسینی اردکانی و موسویان، ۱۳۹۱). یکی از ابداعات اسناد خزانه اسلامی نسبت به اسناد خزانه متعارف، تعدیل رقم اسمی آن با توجه به نرخ سود سالیانه مصوب شورای پول و اعتبار است. بخش خصوصی اعمال نرخ بهره به بدهی‌های دولت از بازه تسجیل بدهی تا زمان انتشار (و در بسیاری موارد تا زمان سررسید)، را حق طبیعی خود قلمداد می‌کند (موسوی، ۱۳۹۶).

۲-۲-۶. حکم

نسبت به بدهی‌های سررسید شده و سررسید گذشته، نمی‌توان برای تأخیر آنها بر مبلغ بدهی افزود؛ چون ربا می‌شود (موسویان، نظریور و خزائی، ۱۳۹۰). در شرایطی که این میزان بابت تأخیر در پرداخت و برابر نرخ سود باشد، اسناد ربوی است. همچنین این بیع از نظر مشهور فقها از موارد حرمت بیع دین (دین قبل از معامله) به دین (دین مؤجل بعد از معامله) بوده و جایز نیست.

۳-۶. اسناد خزانه نوع سوم (بدهی گذشته؛ جبران تورم)

۱-۳-۶. تبیین موضوع

در مراحل اولیه مقوله حفظ قدرت خرید وجود نداشت و بعداً این موضوع به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اسناد خزانه اسلامی، به آن اضافه شد، که به‌موجب آن به رقم اسمی مطالبات پیمانکاران درصدی معادل نرخ مصوب شورای پول و اعتبار افزوده شد (موسوی، ۱۳۹۶). در بودجه‌های سنواتی چند سال گذشته به‌طور معمول در تبصره «۵» بند «ه»، از این نوع اوراق نام برده شده است. برای مثال در قانون بودجه سال ۱۳۹۶، انتشار اسناد خزانه با

۱. در آیین‌نامه اجرایی بند «ط» تبصره «۶» قانون بودجه کل کشور، در سال ۱۳۹۴ قیمت این نوع اسناد مبلغ بدهی مسجل به‌علاوه حداکثر تا ۲۰ درصد به‌ازای یک سال تأخیر در پرداخت طلب تعیین شده است. همچنین در آیین‌نامه اجرایی بند «ه» از تبصره «۵»، قانون بودجه سال ۱۳۹۵، به‌منظور حفظ قدرت خرید، مبلغی متناسب با حداکثر مبلغ ۱۵ درصد به‌ازای یک سال تأخیر در پرداخت طلب طلبکاران غیردولتی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می‌شود.

حفظ قدرت خرید،^۱ به منظور تسویه بدهی مسجل دولت بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و برخی موارد مشابه مجاز دانسته شده است.

براساس نظر برخی^۲ هرگاه در عرف عام مسئله تورم به رسمیت شناخته شود، جبران^۳ این ارزش در پرداخت دیون، ربا نیست، اما سود اضافی بر آن رباست، اما در شرایط فعلی که در عرف عام نرخ تورم در بین مردم محاسبه نمی‌شود، کلاً ربا محسوب می‌شود، زیرا محور عرف عام است، ولی ما یک صورت را استثنا می‌کنیم و آن در جایی است که مثلاً بر اثر گذشتن سی سال، تفاوت بسیار زیادی حاصل شده باشد (یوسفی، ۱۳۸۱: ۸۵).

۲-۳-۶. حکم

تعدیل بدهی همراه با تورم اشکالی ندارد. اما این بیع از نظر مشهور فقها از موارد حرمت بیع دین (دین حال که قبل از معامله دین بوده است) به دین (دین مؤجل حاصل از معامله) بوده و جایز نیست. البته چون همراه با زیادی نیست، باید به صورت جداگانه بررسی شود. ازسوی دیگر تعدیل به میزان تورم انتظاری در مقایسه با تورم حقیقی، دارای نقاط ابهام فراوانی است. بنابراین به نظر می‌رسد این نوع از اسناد خزانه باید توسط صاحب‌نظران به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۶. اسناد خزانه نوع چهارم (ایجاد استقراض جدید)

۱-۴-۶. تبیین موضوع

به مرور زمان از اسناد خزانه در راستای هموارسازی مخارج جاری و تأمین مالی جدید دولت و همچنین برای تأمین مالی هزینه‌های غیرعمرانی نیز استفاده شد (موسوی، ۱۳۹۶). در

۱. در آیین‌نامه بند «ه» از تبصره «۵» قانون، مبلغ حفظ قدرت خرید به‌ازای هر سال تأخیر پرداخت طلب طلبکاران، ۸ درصد (نرخ معادل تورم) تعیین شده اما در آیین‌نامه مشابه سال ۱۳۹۵ این میزان ۱۵ درصد تعیین شده است.

۲. برای مثال نظر آیت‌الله مکارم شیرازی چنین است.

۳. برخی از فقها در این زمینه معتقد به مصالحه بین دو طرف هستند.

تبصره «۵»، بند «ز» قانون بودجه سال ۱۳۹۵، هدف از انتشار این نوع اسناد، تخصیص‌های اولویت‌دار ابلاغی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است.^۱ اسناد خزانه اسلامی تأمین وجوه مبتنی بر دارایی پایه سهل‌البیع (مانند طلا) است که ابتدا در تملیک دولت بوده؛ سپس دولت به انعقاد دو قرارداد مجزا و مستقل اقدام می‌کند؛ ابتدا با بیع نقد دارایی خود را در بازار می‌فروشد؛ سپس به همان میزان از راه بیع نسبی از آن دارایی از بازار (خریدار و فروشنده در بازار ممکن است متفاوت باشد) می‌خرد. سرانجام دولت به ارزش اسمی بیع نسبی به انتشار اسناد خزانه اسلامی اقدام کرده و به سرمایه‌گذاران (فروشندهگان دارایی نسبی) تحویل می‌دهد (خادم‌الحسینی اردکانی و موسویان، ۱۳۹۱).

۲-۴-۶. حکم

این عقد در دو حالت قابل بررسی است. اول، اگر عقد مشخصی در عمل انجام نشود و تنها مقداری پول همراه با زیادی از طرف دولت استقراض شود، اوراق به‌منزله استقراض ربوی دولت از بازار سرمایه است. دوم، اگر خرید و فروش کالای سهل‌البیع (مثلاً طلا) در عمل انجام شود، از آنجاکه فرد خریدار اوراق (پرداخت‌کننده پول)، هم عقد خرید طلا (پول در ازای خرید طلا) و هم فروش آن را به‌صورت نسبی (دریافت اصل و سود اوراق در سررسید) انجام داده است، در اینجا عقد انجام شده بیع‌العینه بوده و دارای شبهه ربوی است. زیرا فرد نمی‌تواند طلا را از دولت با خرید اوراق مزبور بخرد، اما آنها را به‌صورت نسبی به دولت نفروشد. یکی از مواردی که حیل ربا را حرام می‌کند این است که هدف از معامله مورد نظر فرار از حلال به حرام باشد (میرمعزی، ۱۳۸۵).

۵-۶. اسناد خزانه نوع پنجم (بازپرداخت اوراق قبلی)

۵-۶-۱. تبیین موضوع

در مواردی، ناشر اوراق خزانه جدید را برای پرداخت بدهی‌های پیشین (اوراق پیشین) که مدت آنها به پایان رسیده، منتشر می‌کند (موسویان، نظریور و خزائی، ۱۳۹۰). از جمله این موارد

۱. این نوع از اسناد خزانه در تبصره «۵» بند «ز» بودجه سال‌های دیگر مانند لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ نیز آمده است.

را می‌توان در بودجه‌های سنواتی چند سال اخیر مشاهده کرد^۱. برای مثال در تبصره «۵» قانون بودجه سال ۱۳۹۶، دولت می‌تواند جهت بازپرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده در سال ۱۳۹۶، اوراق بهادار اسلامی منتشر کند.

۲-۵-۶. حکم

در اسناد خزانه اسلامی به‌علت ممنوعیت تمدید دین، نمی‌توان مدت اوراق را تمدید کرد. از نظر امام خمینی (ره)، اعطای مدت جدید برای بدهی سررسید شده و زیاد کردن مهلت پرداخت بدهی مدت‌دار در برابر افزایش بدهی جایز نیست (موسویان، نظریه و خزائی، ۱۳۹۰). همچنین این اقدام فروش دین حال (دین قبل از عقد) به یک دین مؤجل (دین به واسطه عقد) بوده و از نگاه مشهور شامل موارد نهی بیع دین به دین می‌شود. بنابراین انتشار این نوع از اسناد خزانه جایز نیست. البته اگر این اوراق در قالب اوراق نوع اول منتشر و به اندازه آنها از بودجه برای پرداخت اوراق سررسید شده هزینه شود (برخلاف اسناد مطرح در این قسمت)، شرعی است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در رابطه با احکام بیع دین و به‌خصوص تنزیل دین، نظرهای فقها تا حد زیادی متفاوت و اختلافات قابل توجه است. برخی فقها تنزیل دین را حرام و برخی جایز و برخی آن را برای فرد غیرمادیون حرام می‌دانند. همچنین نسبت به میزان تنزیل دین در موارد مختلفی اختلاف نظر وجود دارد. نگاه مشهور تنزیل دین را برای شخص غیرمادیون با مبلغ کمتر بدون اشکال می‌داند.

علت اختلاف فقها در تنزیل دین عمدتاً در دو مورد است؛ اول اینکه آیا پول مکمل و موزون است یا خیر؟ و دوم اینکه آیا از نگاه عرفی تفاوت مشخصی بین تنزیل دین و ربا وجود دارد یا خیر؟ براساس نظر برخی فقها نسبت به این دو مورد، تنزیل دین و در نتیجه بازار

۱. تبصره شماره «۵»، بند(ح): دولت برای بازپرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده در سال ۱۳۹۷ تا معادل پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مالی اسلامی منتشر کند ...

ثانویه اسناد خزانه فعلی را نمی‌توان دارای وجاهت شرعی دانست؛ چراکه اولاً، براساس نظر برخی فقها، پول مکیل و موزون بوده و تنزیل آن، پرداخت مبلغ بیشتر در مقابل زمان است و ربای معاملی محسوب می‌شود و ثانیاً، از نظر عرف، افرادی که در بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی خریدار اوراق هستند به دنبال دادن قرض به زیاده می‌باشند و این در عرف همان ربا محسوب می‌شود.

بعد از بررسی جنبه اجتماعی بازار ثانویه اسناد خزانه، می‌توان گفت که برخلاف نظر برخی کارشناسان، بازار ثانویه اسناد خزانه فعلی، متفاوت از خرید دین به صورت سنتی است. بنابراین با استفاده از روش تنقیح مناط عملکرد و آثار اقتصادی بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی، بررسی شد. بعد از تحلیل و بررسی نتیجه این است که عملکرد کلان اسناد خزانه ربوی و اسناد خزانه اسلامی، در بازار ثانویه مشابه است از این رو بازار ثانویه اسناد خزانه اسلامی دارای وجاهت شرعی نیست.

در پایان با مرور منابع مربوط به انواع اسناد خزانه در ایران، پنج نوع از انواع اسناد خزانه که در چندین سال گذشته مطرح بوده است، در بازار اولیه استخراج و با استفاده از بررسی‌های ابتدای مقاله، احکام هر یک از آنها به صورت جداگانه از نظر قول مشهور بعد از بیان موضوع آن به صورت مجزا عنوان شده است. بعد از بررسی پنج نوع از اسناد خزانه، باید گفت فقط نوع اول این اسناد شرعی است و نوع سوم نیز باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، جلد ۲، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. اسکینی، ربیعا و علیرضا جعفریان (۱۳۸۸). «بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با انتقال طلب»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، ش ۱۲۹.
۳. بحرانی، آل عصفور (۱۴۰۵ ه.ق). *الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره*، محقق / مصحح محمدتقی ایروانی و سیدعبدالرزاق مقرر، جلد ۲۰، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ثابت، سیدعبدالحمید (۱۳۸۱). «موضوع شناسی بیع دین»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، جلد ۳۱، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۵. جواهری، حسن محمدتقی (۱۴۰۵ ه.ق). *الربا فقهیا و اقتصادیا*، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات جواهری.
۶. حاجی عزیزی، بیژن، مجتبی زنگنه و عابدین مؤمنی (۱۳۹۰). «جایگاه تبدیل تعهد در فقه امامیه (بخش مدنی)»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۱، دوره ۴۴.
۷. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۱۶ ه.ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، جلد ۱۸، الطبعة الثالثة، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۸. خادم الحسینی اردکانی و عباس موسویان (۱۳۹۱). مهندسی مالی اسناد خزانه اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۵.
۹. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۱). *رساله اجوبه الإستفتائات*، چاپ دوم، تهران، انتشارات بین المللی هدی.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، چاپ اول، جلد اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۱. --- (۱۴۲۲ ه.ق). *استفتائات (امام خمینی (ره))*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. --- (۱۴۲۴ ه.ق). *توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)*، محقق / مصحح سیدمحمدحسین بنی هاشمی خمینی، جلد ۲، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. --- (۱۴۲۵ ه.ق). ترجمه تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، جلد ۲، چاپ ۲۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. --- (۱۴۰۹ ه.ق). استفتائات، جلد ۲، چاپ پنجم، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج الصالحین، جلد ۱، چاپ ۲۸، قم، نشر مدینه العلم.
۱۶. شهید اول (مکی عاملی)، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۴ ه.ق). الدروس الشرعیة فی الفقه الامامیه، جلد ۳، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۱ ه.ق). البنك اللاریوی، چاپ هفتم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۸. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج الصالحین (المحشی)، با تعلیقات شهید سید محمد باقر صدر، جلد دوم چاپ اول، بیروت.
۱۹. علوی، یحیی (۱۳۹۰). «فلسفه تحریم ربا»، مجله تحقیقات مالی - اسلامی، ش اول.
۲۰. فراهانی، سعید (۱۳۷۷). «تنزیل مجدد و اوراق قرضه»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، جلد ۱۵، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ه.ق). الوافی، محقق / مصحح ضیاءالدین حسینی اصفهانی، جلد ۱۸، چاپ اول، اصفهان، انتشارات کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۲۲. قضاوی، حسین و حسین باز محمدی (۱۳۸۹). عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا مطالعه موردی: اسناد خزانه اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. کریمی گلنار، بهمن و جمشید شیری (۱۳۹۵). «بررسی فقهی حقوقی تنزیل اسناد و اوراق بهادار با تأکید بر مقررات جدید بانکی»، فصلنامه علمی ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۵.
۲۴. گرامی، محمد علی (۱۳۸۵). «نگاهی نو به ملاک حرمت ربا»، مجله فقه و حقوق، سال سوم، ش ۱۱.
۲۵. مبین، حجت و امین امیرحسینی (۱۳۹۴). «بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور»، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، سال ۲۲، ش ۷.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). ربا، بانک و بیمه، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. --- (۱۳۹۱). مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۲۰، چاپ اول، قم، انتشارات صدرا.

۲۸. موسوی، سیدسعید (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی عملکرد اسناد خزانه اسلامی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۵۴۲.

۲۹. موسویان، عباس، کامران ندری و حسین میسمی (۱۳۹۴). «امکان‌سنجی فقهی استفاده از صکوک بیع دین جهت عملیات بازار باز بانک مرکزی؛ دلالت‌هایی جهت تقویت بازار بدهی در کشور»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال هشتم، ش ۱.

۳۰. موسویان، عباس، محمدنقی نظریور و ایوب خزائی (۱۳۹۰). «امکان‌سنجی فقهی طراحی اسناد خزانه اسلامی در بازارهای مالی اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی *اقتصاد اسلامی*، سال دهم، ش ۴۰.

۳۱. مومن قمی، محمد (۱۳۷۴). «استصناع (قرارداد سفارش ساخت)»، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام* (فارسی)، جلد ۱۱ و ۱۲ مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.

۳۲. میرمعزی، حسین (۱۳۸۵). «حیله‌های ربا»، *مجله اقتصاد اسلامی*، سال ششم، ش ۲۴.

۳۳. نجفی علمی، محمد مهدی و دیگران (۱۳۹۴). «تحلیل انتشار اوراق بهادار توسط دولت»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۷۷۲.

۳۴. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۳). «تفسیر آیه‌های ربا با تکیه بر رویکرد شناختی»، فصلنامه علمی - پژوهشی *اقتصاد اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۵۲.

۳۵. هاشمی‌شاهرودی، محمود (۱۳۸۲ الف). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، جلد ۱، قم، مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.

۳۶. --- (۱۳۸۲ ب). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، جلد ۳، قم، مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.

۳۷. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱). «بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول (۲)»، *مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام* (فارسی)، سال اول، ج ۳۱، مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.